



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان خمینی شهر

عنوان

صلح و آشتی از دیدگاه آیات و روایات

پژوهشگر

زهرا احمدی

زمستان ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

صلح به معنای از بین بردن کدورت ها و نفرت ها برای برقراری ارتباطی سالم بین افراد جامعه است. و در

قرآن گاه به معنای نیکوآفریدن و گاه به معنای اصلاح کردن کدورت ها بعد از آفرینش است. که در روایت و آیات فراوانی به ایجاد صلح و آشتی تأکید شده به طوری که بعضی از روایات آن را از بالاترین عبادات برشمرده اند.

انسان می تواند با آشنا شدن از مفاهیم و اهمیت صلح و آشتی از دیدگاه آیات و روایات و اصول و ویژگی های آن در قرآن پی ببرد که قرآن در مورد صلح تأکید فراوان شده به طوری که خداوند دروغ درباره ی اصلاح بین مردم را گناه نمی داند و کسانی که باعث برقراری صلح صلح بین مردم هستند راقربان روز قیامت شمرده است.

همچنین انسان با آگاهی از چگونگی صلح با خدا و با خویش می تواند سیر کمال زندگی خود را شناسایی و طبق آن حرکت نماید. و در ادامه با آشنایی نحوه ی ارتباط نیکو با دیگر افراد جامعه از جمله خانواده و همسایگان و دیگر مؤمنین می تواند به از بین بردن بسیاری از کدورت ها به ارتقاء خود و جامعه کمک کند. به وسیله این آگاهی ها ست که انسان می تواند در مسیر کمال خود حرکت کرده و به هدف آفرینش که معرفت و محبت خداوند است نزدیک شده و بسیاری از سوء ظن ها و کج فهمی های خود را کنار گذاشته و با دیگران رابطه دوستی برقرار نماید.

کلیدواژه ها: صلح، رابطه، قهر.

مقدمه

خدای متعال با آفرینش این جهان و انسان باقراردادن اوبه عنوان خلیفه الله دراین دنیا به دنبال تحقق اهداف بزرگی است انسان با اندکی تفکر و همچنین با بهره گیری از آیات و روایات می تواند به این اهداف بزرگ پی برد. و درجهت رسیدن به این اهداف تلاش نماید.

دراین میان یکی ازاین اهداف رسیدن به ارزش ها و کمالات انسانی است و چون انسان موجودی اجتماعی است به ناچار وارد روابط سه گانه ارتباط باخدا و باخویشتن و دیگران می شود که برای ایجاد چنین روابطی ناگزیر به پابندی به قوانینی است که اختلاف و کشمکش را ازبین ببرد و باعث برقراری صلح درهرکدام ازاین ارتباطات شود.

دراین راستا تلاش ما این است که درقلب این پژوهش مهم ترین فاکتورهای قرآنی درجهت تحقق صلحوآشتی رامتذکرشویم. این تلاش درقلب دوبخش عمده ارائه خواهدشد:

بخش اول شامل کلیات و مفاهیم صلح و آشتی ازدیدگاه آیات و روایات معصومین و ویژگی ها و اصول صلح گرایی درقرآن است که به بررسی آیات و روایات درمورد اهمیت صلح سخن گفته که ازدغدغه های قرآن ایجاد صلح و برطرف کردن موانع آن است و کسی که می خواهد صلح برقرار کند باید انگیزه ی الهی داشته باشد و از داخل کردن غرض های شخصی خودداری کند.

بخش دوم شامل دو فصل می باشد که درفصل اول ارتباط انسان با خدا و خویشتن صحبت کرده و چگونگی اصلاح این روابط و رسیدن به کمال را توضیح داده و در فصل دوم درمورد ارتباط انسان درجامعه با افراد مختلف از جمله والدین و فرزندان ، همسر ، خویشاوندان ، همسایگان و دیگر مؤمنین سخن گفته و از راههای درست ارتباط با آنها و آسیب شناسی قطع رابطه با آنها و جایگاه هرکدام درزندگی انسان و رابطه ی آن با کمال انسان در زندگی سخن گفته ایم.

امید است که این تلاش مورد رضایت درگاه الهی واقع شود. ان شاء الله

تعریف صلح

صلح در لغت به معنای مسالمت و سازش معنا شده است و راغب آن را از بین بردن نفرت در میان مردم معنا کرده است.

دهخدا آشتی را به معنای رنجشی رافراموش کردن، پس از قهر، از نودوستی کردن و صلح کردن پس از جنگ است.^۱

صلح در اصطلاح به معنای از بین بردن نفرت میان مردم وضع مفاسد و پایان مخاصمات و دوستی فعال معنا شده و در قرآن گاه در مقابل زشتی و گاه در مقابل فساد آورده شد.

همچنین در قرآن گاه به معنای شایسته آفریدن و گاه به معنای از بین بردن فساد و تباهی بعد از آفریدن معنا شده است.^۲

اهمیت صلح از دیدگاه قرآن

از نظر قرآن یکی از برنامه های مهم اسلام، ایجاد تفاهم و زدودن کدورت ها و دشمنی ها و تبدیل آن به دوستی و مودت و صمیمیت در میان برادران دینی است؛ چرا که زندگی انسان ها به طور کلی خالی از رنجش و کدورت و خصومت نیست؛ زیرا از طرفی بالا بودن سطح انتظارات، توقعات بیش از حد، بی توجهی به حقوق اشخاص، کوتاهی در انجام وظایف، متفاوت بودن خلق و خوی مردم و... و از طرف دیگر بعضی از انسان ها پر حوصله و باگذشت و بعضی کم حوصله و زودرنج هستند، قهرآدشمنی و کدورت و اختلاف پیش خواهد آمد. لذا اسلام به پیروان خود در تعالیم اجتماعی و اخلاقی دستور داده است که نسبت به رویدادهای جامعه خودشان بی تفاوت نباشند، بلکه سعی کنند در چهارچوب تعالیم آسمانی اسلام حس خیرخواهی و اصلاح طلبی در مردم پرورش داده شود و پیوسته در زدودن کدورت های میان برادران دینی خود کوشا باشند. اسلام آن چنان به این موضوع اهمیت داده است که اصلاح و آشتی بین مردم رانه تنهابه عنوان یک کار نیک و پسندیده، بلکه به عنوان یکی از بهترین عبادت ها پذیرفته و برتر از نمازهای [مستحبی] شمرده است.

در اهمیت آشتی میان مردم، همین بس که جلسات و صحبت های درگوشی (نجوا) که غالباً به منظور کارهای سری و مخفیانه و شیطنت آمیز تشکیل می شود، و از نظر خداوند مذموم است، و از شیطان می

باشد: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجادله/۱۰) اگر در کارهای نیک و تشویق مردم به آشتی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه در مواردی هم لازم است که انسان با طرفین منازعه درگوشی صحبت کند. چنانکه می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که نجوامی کنید، برای گناه وستم و نافرمانی

پیامبر نجوان کنید و تنها برای کار نیک و پرهیزکاری نجوا داشته باشید». (مجادله/۱۰)

یاد آیه دیگری می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

؛ در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آن ها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله) امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛ و هر کس برای خشنودی پرورگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد». (نساء/۱۱۴)

نکته ای که در اینجا خیلی اهمیت دارد، تقوای الهی است. در آشتی دادن شخص یا گروه، می بایست تقوای الهی رعایت شود. چه بسا ممکن است تمایل به یک طرف، سبب ناکامی در اصلاح روابط شده و باعث افزایش دشمنی و کدورت گردد؛ لذا قرآن در پایان آیه می فرماید: «تقوای الهی در داوری رعایت شود تا اختلاف و نزاع ریشه کن شود».

ویژگیهای صلح گرایی در قرآن

قرآن کریم در یک فراخوان عمومی پیروان خویش رابه رعایت آرامش و سلامت فراخوانده و هر اقدامی که صلح و سلامت را در جامعه مؤمنان را برهم می زند پیروی از رهنمودها و گام های شیطان دانسته است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خَلَوْا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره/۲۰۸) ای کسانی

که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت [خدا] در آید، و رهنمودها و گام های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

از مفهوم آیه شریفه چنین استفاده می شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و به اتکای

قوانین غیر دینی، جنگ، ناامنی و اضطراب برچیده نخواهد شد؛ زیرا منشأ همه قوانین بشری، امیال و جهالت های

انسانی است که این امر همواره عامل ایجاد کشمکش ها و تصادم هاست و اگر نیروی معنوی ایمان، آدمی را کنترل نکند صلح ناممکن است.^۳

شاید بتوان صلح از نظر اسلام را صلح فعال و یا صلح هدفمند خواند و صلحی که تفکر مدرن در پناه آموزه های پلورالیسم و سکولاریسم و دموکراسی به دست می آورد را صلح منفعل، یا صلح برای صلح نامید. با توجه به این نکته ویژگی های اندیشه صلح طلبی اسلام چنین است:

واقع گرایی

قرآن کریم وجود اختلافات در جامعه بشری را امری طبیعی و ناشی از تفاوت در خصوصیات آفرینش، منطقه زندگی، اخلاق و عادات و دیگر عوامل طبیعی می داند. پروردگار متعال تفاوت و اختلاف را عامل افزایش شناخت و معرفت بشر معرفی کرده است. چرا که در نبودن آنها اساساً حرکتی ایجاد نمی شود و رقابت و رشدی نیز در میان نیست. خداوند برتری های مادی را نیز «زینت دنیا» معرفی می کند و تنها در صورتی آن را ارزشمند می داند که به زیور تقوا - که محور تعالی و اساس تکامل فردی و اجتماعی است - آراسته شود.

همه جانبه گرایی

اسلام بر همه ابعاد و محورهای مختلف ارتباطی انسان توجه دارد و همه آنچه را که انسان در تنظیم روابط خود بدان نیازمند است بر اساس سلم، صلح و پرهیز از خشونت و تعارض تنظیم می کند. محورهای مختلف ارتباط انسان در قرآن چنین بیان شده است:

۱. توجه به ارتباط انسان با خدا

۲. توجه به ارتباط انسان با خود

۳. توجه به ارتباط انسان با دیگران

اهمیت صلح از دیدگاه روایات

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): تقوا لله وأصلحوا ذات بینکم. از خدا بترسید و میان خویش را اصلاح کنید^۴.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): ألا أخبرکم بأفضل من درجة الصیام والصلاة والصدقة؟ صلاح ذات البین، فإن فساد ذات البین هی الحاقه؛ آیا شما را به چیزی بافضیلت تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا تیره شدن رابطه میان مردم ریشه کن کننده دین است^۵.

امام کاظم (علیه السلام): طوبی للمصلحین بین الناس، اولئک هم المقربون يوم القيامة؛ خوشبخت سعادتمندان اصلاح کنندگان بین مردم که آنان همان مقربان روز قیامت اند^۶.

امام صادق (علیه السلام): للمفضل -إذ رأيت بين اثنين من شيعتنا منازعة فافتدها من مالي؛ به مفضل فرمودند: هرگاه میان دو نفر از شیعیان منازعه‌ای دیدی از مال من غرامت بده (یعنی با پرداخت وجه مورد اختلاف، میان آنان را اصلاح کن).^۷

اصول راهبردی صلح‌گرایی در قرآن

قرآن کریم مبانی حساس و دقیقی را به عنوان اصول صلح‌گرایی برشمرده که در این مجال به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱. بهینه‌سازی درونی (اصلاحات داخلی)

عملکرد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و نیز اقدامات قابل توجه حضرت علی (علیه السلام) در مبارزه با فساد در جامعه، گویای این است که ازدیدگاه دین و حاکمان دینی، اگر کشوری از یک نظام سیاسی سالم، پیشرفته و قوی و روابط اصلاح یافته درونی برخوردار نباشد، نه تنها در مجموعه نظام بین الملل نمی‌تواند مؤثر بوده و با موفقیت ظاهر شود، بلکه در داخل نیز قادر به پیمودن راه رشد و صلاح نیست.^۸ یکی از اموری که در قرآن به عنوان مبنای زمینه ساز صلح جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد، لزوم توجه به اصلاحات دورنی در برنامه اصلاحات جهانی است.

برای تحقق این مهم، قرآن کریم در گام اول و در یک تقسیم بندی کلی، بر سه محور کلی: فکر صالح، قول صالح و عمل صالح توصیه می‌کند و مؤمنان را از سوء ظن به یکدیگر بر حذر داشته^۹ و آنها را به نیکو سخن گفتن و دعوت به سلم و صفا فرا خوانده^{۱۰} و کردار شایسته را مبنای ارتباط بین افراد قرار می‌دهد.^{۱۱}

رفتار و اخلاق جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد و جزئی از عقیده اسلامی است که پایه و اساس آن، ایمان به خدای یکتا و مالک و ناظم هستی است. رفتارهای اخلاقی، بر اصول عقلی قابل دفاع پایه ریزی شده است؛ یعنی بر اساس توجه و تفکر و تدبیر در پدیده‌های طبیعی و سیر رفتارهای بشر در گذشته، و اعتقاد و ایمان به اندیشه جاودانگی زندگانی که محصور به این دنیا نبوده و تاجهان دیگر ادامه می‌یابد.

از نظر قرآن کریم برخی محورهای اساسی اصلاح نظام درونی جامعه اسلامی در جهت ایجاد صلح و امنیت و رشد و تکامل افراد جامعه عبارت اند از:

۱-۱. همبستگی براساس امت واحد

مسلمانان «امتی یگانه» به شمار می آیند و گروهی هستند که اعضای آن، به وسیله اعتقاد دینی به یکدیگر وابسته اند بنابراین، نظام اسلامی برپایه های فکری و اخلاقی و عقیدتی پی ریزی شده، نه براساس هم خونی، یا رابطه نژادی.

پس سیاست در اسلام، آمیزه ای از عقیده و اخلاق بوده و رابطه امت، بر دیگر روابط برتری دارد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكَلَّ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/ ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند باز می دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند ولی بیشترشان نافرمانند.»

۱-۲. تقویت روحیه برادری

قرآن کریم مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی کرده^{۱۲} و نعمت برادری و اخوت را به یاد آنان می آورد^{۱۳}. در این نوع مشارکت مردم به اقتضای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» برای اعتلای کلمه ایمان و مبارزه با ظلم و فساد بایکدیگر پیمان برادری دارند. این حکم الهی، بروحیت و یگانگی عمومی امت اسلام تأکید عملی می کند. مشارکت امت اسلامی براساس اخوت و برادری موجب تحکیم روابط آنان شده و ارتباط اجتماعی عمیقی میان افراد جامعه برقرار می سازد. این امر عمل مؤثری در جلوگیری از فتنه، و آشوب و اختلاف. نیز گسترش سلم و صلح در جامعه به شمار می آید. سخنان گهربار معصومان (علیه السلام) نیز بر ارتباط برادری مؤمنان تأکید می کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خطب رسول الله (صلی الله علیه وآله) يوم منی فقال نصر الله عبد الله سمع مقالتي فوعاها وبلغها من لم يسمعها المؤمنون إخوة تتكافى دماؤهم وهم يد على من سواهم يسعى بذمتهم أدناهم؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در سرزمین مناسخرانی نموده و فرمود: خداوند خرم و شاد گرداند روی بنده ای را که سخن مرا بشنود و خوب فراگیرد و به آن کس که نشنیده برساند، ... مؤمنان باهم برادرند، ارزش خونشان باهم برابر است، و همگی قدرت واحدی علیه دشمنان خودشان هستند، و فرودست ترین افرادشان می تواند آنان را نسبت به امانی که به کسی می دهد، متعهد سازد^{۱۴}.

۱-۳. گسترش مصالح عمومی و عفو

هر چند قاعده و اساس ارتباط اسلامی بر پایه برادری و اخوت است، ولی گاه شیطان میان دو نفر فساد می افکند و یکی را بر دیگری می شوراند. در اینجا لازم است بدون ازدست رفتن وقت آنچه شیطان تباه نموده تدارک شود و اصلاح گردد.

بر مبنای آموزه های قرانی، رفع اختلاف بین مسلمانان و برقراری صلح به عنوان نشان ایمان و در ردیف اطاعت از خدا و رسول ذکر شده^{۱۵} و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اصلاح ذات البین را بالاتر از یک سال نماز و روزه ذکر کرده^{۱۶} و اصلاح بین مردم را از کمال سعادت می داند^{۱۷}.

بهینه سازی روابط خارجی

با بررسی اصول حاکم بر اصلاح روابط افراد در درون یک جامعه اسلامی روشن شد که حفظ آرامش و ثبات داخلی و اصلاحات درونی نظام اسلامی برای برقراری صلح و امنیت در اولویت قرار دارد و تأکید نصوص دینی به جهت دهی اخلاق و رفتار بر محور اصول الهی، گویای اهتمام اسلام بر اصلاح درونی افراد جامعه است. در اینجا این سؤال مطرح می شود که با توجه به جامعیت اسلام و «آرمان حاکمیت جهانی آن»، چه اصول و سیاست هایی در برنامه راهبردی اسلام برای حفظ و بسط صلح در عرصه بین المللی مطرح است؟ پاسخ این است که این اصول را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱-۱. همزیستی مسالمت آمیز

در نظر قرآن، صلح و همزیستی به عنوان غایت حرکت اجتماع عنوان می شود؛ زیرا مهم ترین هدف فرستادن رسولان، استقرار عدالت اجتماعی است و این در معنای واقعی خود، صلح و امنیت اجتماعی را به همراه خواهد داشت^{۱۸}.

اسلام در برابر مشکلات اجتماعی همیشه موضعی واقع بینانه داشته و کوشیده است برای حل مشکلات، عوامل پیدایش آنها را ریشه کن سازد. در مورد جنگ و اختلاف های بین المللی، موضع اسلام این گونه بوده و لذا به صورت بنیادی، همت بر نابودی عوامل جنگ و نزاع گمارده است. شعار صلح طلبی اسلام را می توان در عباراتی چون: «إصلاح بین الناس»^{۱۹}، «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء/۱۲۸)؛ برگزیدن نام اسلام برای این آیین و نیز حرام گردانیدن جنگ در ماه های حرام و نیز حرمت جنگ در سرزمین مکه و محل امن قرارداد کعبه مشاهده کرد.

۱-۲. تألیف قلوب

یکی دیگر از راهبردهای صلح و یکی از اصول بسیار مهم در اسلام، اصل «تألیف قلوب» است،^{۲۰} «واژه تألیف والفت» در موارد متعددی در قرآن به کار رفته است: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۶۳)؛ و میان دل هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است.»

«واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً» (آل عمران / ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید.»

دوستی انسان با خدا

ایمان و تسلیم در رابطه انسان با خداوند تازمانی که با محبت همراه نشود کافی نیست.

محبتی که بر تمام محبت های دیگر برتری داشته باشد و سرچشمه و منبع آنها می شود و سبب آن شود که محبت دوستان خدا و دشمنی دشمنان او در قلب انسان جای گیرد. زیرا دوستی با دشمنان خدا و دشمنی با دوستان او، هیچ گاه با محبت خدا سازگاری ندارد و در این صورت انسان در ادعای محبت خود نسبت به خدا صادق نخواهد بود.^{۲۱}

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ: بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و... از خدا و پیامبر او جهاد در راه او دوست داشتنی تر ندپس منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بپارد و خدا مردم نافرمان را راه ننماید»^{۲۲}.

بنابراین باید محبت انسان به خدا از محبت او به پدران، فرزندان و کارش بیشتر و بالاتر باشد. «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» ولی کسانی که ایمان آورده اند در دوستی خدا سخت ترند خدا را بسی بیشتر از ایشان دوست می دارند.^{۲۳}

بنابراین آیه شریفه هر کس که بیشتر علاقه او به خداوند باشد اهل ایمان است و نشانه ایمان انسان به خدا این است که محبت او به خدا بیشتر از دیگران باشد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در دعایشان می فرمودند: «خداوند! محبت خود را برای من دوست داشتنی ترین چیزها قرار داده و خوف از خود را بزرگترین خوف من بگردان و باشوق لقای، مرا از خواسته های دنیایی برهان»^{۲۴}.

در زندگی انسان مسلمان اساس و محور هر محبت و علاقه ای است و باید از هر محبت و علاقه ای شدیدتر، و سرچشمه و منبع آنها باشد^{۲۵}.

محبت به خدا باید بر تمامی عواطف و مالک آنها باشد و بر دوستی ها و دشمنی های او و حتی بر درجات دوستی و دشمنی او حکم فرما باشد محبت به خدا حد و مرزی ندارد و هیچ گونه قید و شرطی نمی پذیرد^{۲۶}.

ضرورت خود شناسی

اسلام در برنامه تربیتی خود، طرحی گسترده برای ایجاد صلح با خویشان دارد، شاید این پرسش ها به ذهن برسد که مگر می شود انسان با خودش درگیر باشد که ماسخن از صلح می زنیم؟ و آیا اساساً انسان می تواند به خودش صدمه وارد یا به خود خیانت کند؟ پاسخ این است که بسیاری از مردم، بدون آنکه خود بدانند با خویش دشمنی می کنند، خود را فریب می دهند و با خیانت و نیرنگ به خود، راه هلاکت را پیش می گیرند بی شک در چنین رابطه ای، بویی از آرامش و صلح نمی آید و برای صلح با خویش باید در ابتدا خود را شناخت و آن گاه به خود سازی خود پردازیم که در این گفتار به ضرورت خود شناسی و آثار و موانع و... می پردازیم.

برای موجودی که فطرتاً دارای حب ذات است، کاملاً طبیعی است که به خود پردازد و در صدد شناختن کمالات خویش و راه رسیدن به آن ها بر آید. پس درک ضرورت شناختن خود شناسی، نیازی به دلیل های پیچیده عقلی یا تعبدی ندارد. از این رو غفلت از این حقیقت و سرگرم شدن به چیزهایی که به هیچ وجه در کمال و سعادت آدمی مؤثر نیست، امری است غیر طبیعی و انحراف آمیز و این امر است که باید علتش را جستجو کرد و راه سلامت و نجات از آن را شناخت.

صلح در خانواده و اهداف آن:

خانواده الهی خانواده ای است که منطبق با هدف های حکیمانه الهی در نهاد خانه و خانواده حرکت نماید. خداوند هدف هائی را برای رشد و ارتقاء نهاد خانه و خانواده مقرر داشته که به ترتیب عبارتند از

الف) شکوفائی استعداد محبت

خداوند با شکوفائی استعداد محبت به کانون خانواده و بقای آن گرمی می بخشد، دستورات الهی به رسول الله (صلی الله علیه و آله) در محبت های ویژه به حضرت زهرا (سلام الله علیه) از جمله این دستورات قرآنی است که می توان سوره کوثر را به عنوان نمونه ذکر کرد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَنَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^{۲۷} ای رسول (صلی الله علیه و آله) ما به تو خیر فراوان دادیم و آن عطیه الهی است حضرت فاطمه الزهرا (سلام الله علیه) که باید به شکرانه آن نماز بخوانی و قربانی کنی.

ب) توجه خاص به اولوالارحام:

خداوند این مهم را با قانون ارث که شامل انبیاء هم می شود برقرار ساخته است. با این قانون پیوندهای عاطفی و محبتی میان وارثان و ارث گذاران تحکیم می گردد. خداوند برخی از اولوالارحام را نسبت به برخی دیگر (اولی) می داند.^{۲۸} در فقه شیعه، وارثان طبقات ویژه ای دارند که بدین وسیله وارث، نزدیکتر آن را لحاظ نماید و بدین شکل میان کل خانواده بزرگ زمینه توجه خاص به طبقات نزدیک تر فراهم می آید.

۱. نیکی به والدین

احسان به والدین به عنوان چنان مهم است که حتی شرک آن مانع احسان به آنان نیست، گرچه باید از عقاید مشرکانه آنان به دور بود، و از کمترین بی احترامی و آسیب رساندن به آنان نمی شد. و نهایت فروتنی و مهربانی به آن دودر حال حیات و مرگشان توصیه و معادل نماز، جهاد، حج و... شمرده شده است، حتی تشکر از آنان مقارن شکر الهی قرار گرفته است. آیات قرآنی بهترین گواه اهمیت نیکی به والدین است.^{۲۹}

۲. ایجاد صلح و آشتی در رابطه با فرزندان

مهر ورزی: امام صادق (علیه السلام): (ان الله ليرحم العبد لشدته حبه لولده) خداوند به بنده اش به دلیل محبت شدید او به فرزندانش لطف و رحمت می کند. این شدت حبّ در آن اندازه نیست که محبت خدا تحت شعاع آن قرار گیرد، زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده است (والذین آمنوا اشدّ حبا لله) و کسانی که ایمان آوردند، محبتشان به خدا، شدیدتر است.

ملاک این است که اگر در راه خدا، فرمان نثار فرزند فرا برسد، با علاقه ای که به فرزند دارد او را تقدیم خدا می کند؛ چونان سید الشهداء (علیه السلام) و ابراهیم نبی (علیه السلام). مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و گفت من هرگز کودکانه را نبوسیده ام، وقتی آن مرد از پیش رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) رفت، آقا فرمودند: این مرد از نظر من اهل آتش است. بوسیدن بچه، زدن مهر بر قلب کودک است که او را دوست داریم؛ به همین سبب رخساره و حرکات ظاهری او، نشان دهنده، شاد بودن او را در اثر بوسیدن پدر و مادر است. پرنکردن این خلا مهرخواهی کودک، بحران هایی را برای کودکان در همان سن و در هنگام بزرگی ایجاد خواهد کرد؛ پناه بردن به کسانی که به او مهر بورزند؛ یکی از این پی آمده های ناخوشایند است که گاهی منجر به مفسده هایی می شود.

بازی با کودکان: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: (من کان عنده صبی فلیتصاب له). هر کس، کودکی دارد، باید با او کودکی کند.

چونکه با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودک باید گشاد

کودکی که این خاطرات را از پدر و مادر در ذهن خود نگه می دارد، در هنگام رشد و بالندگی، همیشه این احساس صمیمیت را با والدین در خود احساس می کند و این احساس ثمرات فراوانی دارد که از جمله آن ها.

محرم داشتن پدر و مادر در بازگو کردن رازها و درد دل ها و نیازها است محرم داشتن پدر و مادر در بازگو کردن رازها و درد دل ها و نیازها است.

صلح و آشتی در ارتباط با خویشاوندان

پیوند با خویشاوندان، نوعی رحمت، مهربانی دل جوایی است؛ اگرچه این دل جوایی با دادن یک لیوان آب یا یک سلام گفتن باشد. صله رحم افزون بر آثار دنیوی و پاداش اخروی و خشنودی پروردگار متعال و امامان معصوم (علیه السلام)، موجب شادی، آرامش اعصاب و رفع بلا می شود. به استناد روایت های بسیار، صله رحم سبب رفع بیماری ها و ناراحتی ها، افزایش روزی و فرزندان، تاخیر در مرگ، آسانی مرگ و راحتی و برزخ و قیامت می شود.

در روایت آمده است: روز قیامت هر کس از قبرش بیرون می آید، بانگ بر می دارد: پروردگارا! بر من رحم فرما. جوابش می دهند: هر آینه مهربانی و احسان شما در دنیا به دیگران (خویشاوندان) موجب مهربانی و رحمتان در روز قیامت است. با اندک تاملی در قرآن و حدیث، به ارزش و اهمیت صله رحم پی می بریم و اینکه در سفارش و تاکید شده است.. اسلام، تاچه اندازه به این امر مهم سفارش و تأکید کرده است.

اسلام، انسان را موجودی فرد محور و جدا از جماعت نمی داند، بلکه او را به طور فطری، موجودی اجتماعی می داند که با برقراری ارتباط متقابل با هم نوع خویش، بخش مهمی از نیازهایش را برطرف می کند و به رشد و کمال دست می یابد. خورشید اسلام هنگامی طلوع کرد که دشمنی و کینه و خودخواهی و جنگ و خون ریزی میان قبایل به اوج رسیده بود. اعراب جاهلیت از کار کردن ننگ داشتند و از راه غارت قبایل همسایه و خویشاوندان خود امرار معاش و به این کار افتخار می کردند. با طلوع خورشید اسلام، پیامبر، فرهنگ غنی اسلام را که سرشار از آموزه های سعادت بخش و محبت آموز بود، به آنان عرضه کرد و فرهنگ متعصب و جاهلی آنان را که جز جنگ و خون ریزی در پی نداشت، به فرهنگ محبت، مودت، وحدت و یک دلی بدل ساخت. در آیه ۱۰۳ آل عمران آمده است:

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمن (یکدیگر) بودید پس میان دل های شما الفت انداخت و به برکت نعمت او، برادر شدید».

نخستین و مؤثرترین راه حلی که اسلام برای ایجاد مودت و یک دلی آدمیان برگزید، سفارش به صله رحم بود. در روایت آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عمرو بن مره فرمود: من فرستاده الهی به سوی

همه بندگانم تا به اسلام دعوتشان کنم و فرمان دهم که از جنگ و خون ریزی خودداری کنند و با خویشاوندان پیوندند و حضرت احدیت را بندگی کنند. عمرو بن مره گفت: ای رسول خدا! اگر چه عده زیادی از اقوام بر من خشم گیرند و از پذیرفتن حق و احسان بر من خودداری کنند، اجازه فرمایید برای ارشاد و هدایت اقوام بروم تا همان گونه که خداوند تبارک و تعالی در هدایت من لطف فرمود، آنها نیز هدایت گردند. پیامبر رخصت داد و فرمود که آنها را با مهربانی و مدارا و سخنان نیکو و بدون عصبانیت و خودخواهی و حسادت، به دین اسلام دعوت کند.^{۳۰}

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پیوند با خویشاوندان و داشتن اخلاق نیکو موجب زیادی ایمان است.^{۳۱} همچنین در کلام دیگری فرموده است: از شرایط دین، صله رحم و پیوند با خویشاوندان است.^{۳۲}

امام علی (علیه السلام) نیز درباره اهمیت صله رحم می فرماید: طایفه و خویشاوندان را احترام کن. همانا آنان به منزله بال های پرنده ای هستند که به وسیله آن بال ها پرواز می کنی و آنان ریشه و اصل تو هستند که به وسیله آنها به اصل و ریشه و نسب خود می رسی. {آنها} دستی هستند برای تو که به هدف های خود برسی.^{۳۳}

صلح در میان برادران دینی

یکی از بلاهای گسترده در زندگی انسان ها، پیدایش کشمکش ها، دودستگی و جناح بندی میان مردم است.

قرآن مجید، تفرقه و گروه گرایی را در کنار عذاب آسمانی و زمینی، نوعی عذاب الهی می داند و می فرماید:

بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلایی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند. بنگر چگونه ما آیات خود را به طرق مختلف بیان می کنیم، باشد که مردم چیزی از قیامت بفهمند.^{۳۴}

از طرفی، ایجاد وحدت و الفت بین قلب ها را یکی از الطاف الهی می داند که این همدلی حاصل کار پیامبران و از سفارش های آنان است، آنجا که می فرماید:

و همگی به رشته دین چنگ [زنید] و به راه های متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند، همه برادر دینی یکدیگر شدید؛ در صورتی که در پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را نجات داد^{۳۵}.

اصلاح بین مردم و برقراری صلح و آشتی، خواسته خداوند متعال است و پیامبران الهی نیز یکی از مسئولیت ها و مأموریت های خویش را برپایی صلح و زدودن اختلاف از جامعه بشری قرار دادند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند. از این رو، بر ماست که پیروان صادق آن بزرگواران باشیم و راه آنان را در دوره معاصر هم ادامه دهیم.

راهکارهای صلح و آشتی بین مؤمنان

از بین بردن تنشها، نفرت زدایی، نزدیک کردن دلها به یکدیگر، بازگرداندن شادی به کانون خانواده ها کاری خرد و آسان نیست. این کار به انسان و ویژگیهای روانی او بسته است و زدودن نفرت و جداییهای ریشه دار، نیازمند شناخت انسان و جامعه و کارشناسی عالمانه دارد. اکنون چند راه کار را در این راه ارائه می دهیم که اگر به درستی روی آنها درنگ شود و مطالعه همه سویه در آنها بشود می توان از این جا به بسیاری از ناهنجاریها پایان داد و صلح و صفا را در بین گروهها و خانواده ها برقرار ساخت.

۱. برانگیختن خردهای خفته: ناآگاهی و به فراموشی سپردن نیروی اندیشه و خرد از علت های مهم بروز

جدالها و نزاعهاست. زیرا انسانها در پرتو خردورزی به صلح و صفا می رسند.

اگر در کارها از نیروی خرد و تدبیرهای آن استفاده نشود، احساسات میدان می یابد و آرزوهای فردی

وهوسها و خشم و شهوت با آن در می آمیزد و مردمان عنان گسیخته برابر یکدیگر قرار می گیرند. بسیاری از

برادرکشیها در پی حرکتهای آنی، پرشتاب و به دور از اندیشه وری رخ می دهد و گروهها و قبیله ها و کسانبا

شنیدن خبری ناگوار، بدون این که از درستی و نادرستی آن آگاهی دقیق داشته باشند، یکدیگر را هدف قرار می دهند و پراکندگیها آغاز می شود.

قرآن برای پیشگیری از فساد ذات البین مسلمانان را به خردورزی و کندوکاو در تباهی آفرینی دشمنیها

فرا می خواند.

۲. گسترش ارزشها و فضیلتها: با مطالعه و دقت روی بسیاری از جریانهای تباهی آفرین تاریخ و کشمکشهای فرساینده به این نتیجه می رسیم که حاکم نبودن ارزشها و فضیلتها، از جمع و گروهی سبب شده راه بر پیروی از هوای نفس گشوده شود. در جامعه ای که ارزشها کم رنگ شود، حسد، آز، زیاده خواهی، کینه، بی عدالتی، رشد می کند و وقتی این خویهای ناپسند و ضدارزش رشد کرد بسیاری از مردم مکرکس وار به جان هم می افتند و نظام زندگی از هم فرو می پاشد.

نتیجه

انسان موجودی اجتماعی است و این امر باعث وجود حقوق و قوانینی می شود که انسان را در برقراری ارتباط صحیح و بدون اختلاف و کشمکش یاری می رساند که از جمله این قوانین احترام به حقوق متقابل عدالت ورزی در ارتباطات و دوری از بدگمانی و سوءظن به افراد است. و همچنین توجه به دستورات الهی در برخورد صحیح با افراد مختلف، میزان اهمیت افراد و جایگاه آنها در زندگی انسان از جمله جایگاه والدین همسر و خانواده ، خویشاوندان و همسایگان و دیگر مؤمنین در زندگی انسان و چگونگی برخورد و احترام به حقوق آنان از جمله این قوانین است و توجه به آثار اخروی آن انسان را به امتثال این قوانین ترغیب می کند.

همچنین انسان بما هو انسان نیز دارای ارتباط است یعنی انسان با خویشتن نیز به صورت ناخود آگاه ارتباط دارد که با درک شناخت خود می تواند این ارتباط را نیز تصحیح کند و با جهت دهی اعمال و رفتار خود در راستای هدف آفرینش موجبات کمال خود را فراهم سازد.

و به همین ترتیب انسان با خالق خویش نیز در ارتباط بوده و اگر ارتباط خود را خدای خویش از طریق معرفت الله و توبه از خطاهای گذشته اصلاح نماید دیگر ارتباطات را نیز اصلاح کند چرا که خداوند خود خالق انسان است و به تمام محورها و ابعاد وجودی او برای رسیدن به کمالات و ارزش های انسانی آگاه است.

پی نوشت

- ^۱ علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، بی جا، ص ۱۱۵.
- ^۲ نفیسه، فقیهی مقدس، زندگی در صلح از دیدگاه قرآن، ص ۲۰.
- ^۳ ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹، ص ۸۲.
- ^۴ علی، شیروانی، نهج الفصاحه، اندیشه مولانا، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴، ح ۴۹.
- ^۵ همان، ص ۲۴۰، ح ۴۵۸.
- ^۶ حسن بن علی، ابن شعبه حرانی تحف العقول، پرویز اتابکی دارالحدیث، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳.
- ^۷ مفضل بن عمر، توحید مفضل، علی اکبر میرزایی، روحانی، ۱۳۸۸، ص ۴. محمد، کلینی، کافی، نسیم حیات، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۳.
- ^۸ رسول، جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان، بی جا، ص ۵۲.
- ^۹ حجرات/۱۲.
- ^{۱۰} احزاب/۷۰.
- ^{۱۱} فرقان/۷۲.
- ^{۱۲} السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۵۰، به نقل از زندگی در صلح از دیدگاه قرآن، ص ۶۵.
- ^{۱۳} خرمشاهی و انصاری، پیام پیامبر، ص ۷۴، به نقل از همان، ص ۶۶.
- ^{۱۴} مفید، امالی، ص ۱۸۷، به نقل از زندگی در صلح از دیدگاه قرآن، ص ۶۷.
- ^{۱۵} انفال/۱.
- ^{۱۶} علینقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، فقیه، نامه ۴۷.
- ^{۱۷} عبدالواحد، تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۸۲، ح ۱۱۱۲۸.
- ^{۱۸} روح الله، موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۲۹.
- ^{۱۹} نسا/۱۱۴.
- ^{۲۰} روح الله، شریعتی، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۵۷.
- ^{۲۱} محمد مهدی، آصفی، درآینه وحی ۳-آرامش، علیرضا سروش، محمد حسین سرانجام، چاپ اول، مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵، ص ۲۹.
- ^{۲۲} توبه/۲۴.
- ^{۲۳} بقره/۱۶۵.
- ^{۲۴} علی، متقی، کنز العمال، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۳۶.
- ^{۲۵} محمد مهدی، آصفی، درآینه وحی ۳-آرامش، ص ۳۰.

^{۲۶}همان.

^{۲۷}کوثر/۱-۲.

^{۲۸}انفال/۲۸.

^{۲۹}عبدالله، جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، چاپ هفتاد، اسراء، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹.

^{۳۰}محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۰۳.

^{۳۱}حسین، نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

^{۳۲}محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۰۴.

^{۳۳}همان، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

^{۳۴}انعام/۶۵.

^{۳۵}آل عمران/۱۰۳.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. آصفی، محمد مهدی، **در آینه وحی ۳-آرامش**، علیرضا سروش، محمدحسین سرانجام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۲. آقا تهرانی، مرتضی، **از خود تا خدا**، چاپ دوم، بی جا، باقیات، ۱۳۸۷.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، پرویز اتابکی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۴. بابویه قمی، ابو جعفر (شیخ صدوق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، قم، صادق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غرر الحکم و درر الکلم**، لطیف راشدی، پیام علمدار، ۱۳۸۸.
۶. حقیقت، صادق، **مسئله شناسی مطالعات سیاسی اسلام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، **معارف و معاریف**، ج ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
۸. حر عاملی، محمد، **وسائل الشیعه**، ج ۱۵، اول، قم، ستاره، ذوی القربی، ۱۳۸۷.
۹. جعفریان، رسول، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، هفتم، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۱۰. جلالی، جلال، **نور الثقلین**، ج ۱، قم، پیام جلال، ۱۳۸۸.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، **مفاتیح الحیاء**، هفتاد، قم، اسراء، ۱۳۹۱.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، بی نا.
۱۳. دیلمی، حسن، **ارشاد القلوب**، ج ۱، تهران، مصطفوی.
۱۴. راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ قرآن**، سید غلامرضا خسروی حسینی ج ۲، قم، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
۱۵. سبحانی، جعفر، **فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام**، تهران، مشعر، ۱۳۷۳.
۱۶. شیروانی، علی، **نهج الفصاحه**، تهران، اندیشه مولانا، ۱۳۹۰.
۱۷. شریعتی، روح الله، **حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۸. شبیر، عبدالله، **اخلاق**، محمد رضا جباران، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۷.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ج ۶۰، تهران، محمدی، ۱۳۶۷.
۲۰. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، قم، مرتضوی، ۱۳۷۵.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، حسین نوری، تهران، بی نا، ۱۳۷۹.
۲۲. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، ج ۲، چاپ ۱۷، بی جا، امیرکبیر..
۲۳. فقیهی مقدس، نفسیه، **زندگی در صلح از دیدگاه قرآن**، اول، سپهر، زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
۲۴. فیض کاشانی، محمد، **محجة البیضاء**، ج ۳، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۲۵. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
۲۶. قمی، عباس، **مفاتیح الجنان**، بی جا، تابان، ۱۳۸۴.
۲۷. کلینی، محمد، **کافی**، ج ۲، هفتم، چاپخانه بزرگ قرآن کریم، تهران، اسوه، ۱۳۸۵.
۲۸. لوئیس، برنارد، **زبان سیاسی**، مترجم غلامرضا بهروز لک، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
۲۹. مفضل بن عمر، **توحید مفضل**، علی اکبر میرزایی، قم، روحانی، ۱۳۸۸.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ابوالحسن موسوی همدانی، ج ۷۲ و ۷۴، تهران، اصلاحی، ۱۳۸۶.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹.
۳۲. مطهری، مرتضی، **عدل الهی**، قم، صدرا، ۱۳۷۱.
۳۳. موسوی خمینی، روح الله، **صحیفه نور**، ج ۲۰، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۴. موسوی، محمد، **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.
۳۵. متقی، علی، **کنز العمال**، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، **خودشناسی برای خودسازی**، چاپ یازدهم، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، حمیدرضا شیخی، **میزان الحکمه**، ج ۴، چاپ دهم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۸.
۳۸. نراقی، احمد، **معراج السعاده**، چاپ اول، قلم، انتشارات راه علم، ۱۳۸۶.
۳۹. نراقی، مهدی، **جامع السعادات**، بی جا، بی نا.
۴۰. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۶۰.
۴۱. مسعود بن عیسی، ورام، **تنبيه الخواطر**، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.

عربی:

۴۲. ابن هشام، **السیره النبویه**، ج ۳، قم، دارالفکر، ۱۳۷۱.

-
۴۳. ابن منظور محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۲، بیروت، دارصادر، ۱۳۷۹.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی الطبوعات، ۱۳۸۴.
۴۵. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، ج ۲، بی نا.
۴۶. قائم، محمد، **نظرات فی الفكر السياسي الاسلام**، بیروت، دارالصفو، ۱۳۶۷.
۴۷. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۶، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مجلات

۴۸. میر عرب، «نگاهی به مفهوم امنیت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۷۹.
۴۹. ماهنامه مکتب اسلام، اهمیت آشتی میان مردم، شماره دوم.